

# تربیت بدون دست‌کاری

را که رنگ زیبا و بوی خوش دارد همین‌طور؟

خب معلوم است. در نظام خلقت هر چیزی ماهیتی دارد و آن ماهیت برای هدفی آفریده شده است. اگر همان که هست و باید باشد محقق شود، خوب است و اگر از مسیر خود انحراف یابد، مورد پذیرش نیست.

حال می‌پرسیم انسان چیست و برای چیست؟ انسان موجودی مافوق حیوان است و باید مافوق حیوان باشد. یعنی انسان فقط غریزه حیوانی ندارد. پس باید مراقب باشیم زندگی او فقط به تأمین غرایز حیوانی او سپری نشود و

خود را با آن معرفی کند. اگر نشد، به زور چیزی می‌سازد، یا یک ویژگی ساده را برجسته می‌کند و...! حتی اگر آن ویژگی لزوماً فضیلتی محسوب نشود! مثلاً می‌گویند پسر من خیلی به نگهداری از وسایل خود اهمیت می‌دهد و اجازه نمی‌دهد کسی بدون اجازه به آن‌ها دست بزند!

دختر من هیچ وقت به کسی «نه» نمی‌گوید و هر خواسته‌ای که دوستانش داشته باشند، به آن‌ها عمل می‌کند.

به راستی چگونه می‌توان موفقیت خود را در تربیت ارزیابی کرد؟ به عبارت دیگر، انسان مطلوب کیست؟ قبل از گفت‌وگو دربارهٔ انسان مطلوب، خوب است به این فکر کنیم: حیوان مطلوب چگونه است؟! گیاه خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟! و...

چرا حیوان سالم را مطلوب می‌دانیم، نه حیوان بیمار را؟! چرا اسبی را که خوب سواری می‌دهد می‌پسندیم یا گاوی را که خوب شیر می‌دهد؟

چرا درختی را که میوه شیرین دارد درخت خوب معرفی می‌کنیم یا گلی

یکی از مهم‌ترین مسائل تربیتی آن است که غایت تربیتی چیست؟

مربی باید چه ویژگی‌هایی را در مربی خود ایجاد کند؟

چه زمانی تأیید خواهیم کرد که معلم کار خود را درست انجام داده است؟

اگر فرد چگونه باشد می‌گوییم فرایند تربیت به هدف خود رسیده است؟

معمولاً وقتی کودکان و نوجوانانی مؤدب و سربه‌راه داشته باشیم که از نظر اجتماعی کار ناشایستی انجام ندهند، از آن‌ها راضی خواهیم بود و اگر ویژگی خاص و چشم‌پرکنی در فردی پیدا شود که موجب تحسین همگان واقع شود که دیگر فوق‌العاده است! مثلاً خط خوبی داشته باشد؛ بسیار منظم و تمیز باشد؛ درس‌خوان و شاگرد اول باشد؛ یا....

بین خودمان باشد! معمولاً هر کسی برای ایجاد حس رضایت درونی و کسب تحسین دیگران، هر طور شده است، یک ویژگی متمایز در فرزند و مربی خود پیدا می‌کند تا او و



ارضای غرایز مانع ظهور مراتب مافوق حیوانی او نگردد.

انسان از ابتدای تولد و حتی پیش از تولد، همواره در حرکت بوده و هیچ لحظه‌ای حرکتش متوقف نشده است. پس نباید اجازه دهیم دو روز و دو ساعتش مثل هم باشند.

حرکت انسان از بدو خلقتش تکاملی بوده و لحظه‌به‌لحظه کمالات بیشتری کسب کرده است؛ وقتی نطفه به جنین تبدیل شد و جنین به نوزاد. زمانی که نوزاد انسان گام به گام توانایی‌ها، مهارت‌ها و فضایل بیشتری به دست آورد و صاحب عقل انسانی شد، هنگامی که عقل او به تدریج مسیر بلوغ و پختگی را پیمود و بر دیگر قوا غالب شد و... در تمامی این حالات، این حرکت تکاملی به خوبی قابل مشاهده‌اند. پس حرکت دائمی انسان باید تکاملی باشد.

هنگام تشکیل نطفه انسانی، تنها حیات نباتی را می‌توان برای او در

نظر گرفت! زمان تولدش چیزی بیش از حیات حیوانی نمی‌شود در او یافت! زمانی که به مرتبه عقلانی دست یافت، بدون هیچ تردیدی از زندگی انسانی او سخن گفته‌ایم.

اما آیا حرکت دائمی او در این مرحله پایان می‌پذیرد؟ آیا حرکت تکاملی او متوقف می‌شود؟ آیا انسان هم مانند دیگر حیوانات است که وقتی به بلوغ خود می‌رسند، از حرکت ماهوی باز می‌ایستند؟ یک کره اسب، پس از اینکه به اسب بالغ تبدیل شد، تا پایان عمر اسب خواهد ماند! آیا نوزاد انسان هم پس از بلوغ، همان انسان خواهد ماند و تغییر اساسی نخواهد کرد؟

باید گفت یک ویژگی شگفت‌انگیز در انسان وجود دارد. انسان هم مانند همه حیوانات، از بدو تولد و پیش از آن، در حال تغییر و حرکت است. انسان هم مانند همه حیوانات، از بدو تولد و پیش از آن، حرکت تکاملی دارد. اما نکته اینجاست که حرکت انسان، پس از رسیدن به بلوغ نیز ادامه می‌یابد.

### حرکت تکاملی انسان بی‌نهایت است

حرکت انسان به سمت کمال بی‌نهایت است. حرکت او به سوی کمال مطلق است. او هر کمالی را می‌خواهد تا حرکت تکاملی داشته باشد. او هر کمالی را به صورت بی‌نهایت می‌خواهد.



انسان باید همان باشد که هست. او همیشه در حال حرکت تکاملی به سوی بی‌نهایت است. پس او باید همیشه در حال حرکت تکاملی به سوی بی‌نهایت باشد. برای حرکت تکاملی مثلاً باید علم داشته باشد، قدرت داشته باشد، مالکیت داشته باشد، زیبایی داشته باشد، خلاقیت و ابتکار داشته باشد و... و باید همه این‌ها را به صورت بی‌نهایت

داشته باشد.

اتفاقاً چون می‌خواهد مالکیت و قدرت مطلق و بی‌نهایت داشته باشد، گاهی به خطا می‌رود و دروغ می‌گوید، دزدی و بدرفتاری می‌کند! چون کمال مطلق می‌خواهد، ظلم و تعدی و اشتباه می‌کند! کمال مطلق چیست؟ خدا.

مهم نیست چه اسمی برای او می‌گذاریم. هر چه را که کمال مطلق می‌دانیم یا می‌پنداریم خدای ماست. گاهی همان الله رحمان رحیم است؛ و گاهی مرد عنکبوتی یا فلان سلبریتی یا حتی شیطان!

آیا آنچه ما به دنبال او هستیم، کمال مطلق است و هیچ نقص و ضعف و ایرادی ندارد؟ اگر این‌گونه است، پس درست تشخیص داده‌ایم و درست می‌رویم. ما اسم آن را خدا می‌گذاریم. اگر آنچه به دنبال او هستیم، ذره‌ای نقص و کژی دارد، اشتباه کرده‌ایم. این را احتمالاً وقتی می‌فهمیم که به او دست یافتیم.

اگر فکر می‌کنیم قدرت مطلق یعنی ریاست بر کل کشور، وقتی به آن رسیدیم، خواهیم دانست که خطا کرده‌ایم. وقتی ریاست بر همه کره زمین هم پیدا کنیم، باز می‌فهمیم مطلق نیست. به دنبال ریاست در کرات و آسمان‌ها خواهیم گشت. تازه وقتی قدرت مطلق را یافتیم، می‌فهمیم قدرت تنها کمال مطلق نیست. علم هم کمال است و...

انسان به دنبال کمال مطلق است؛ پس نباید به دنبال چیزی غیر از کمال مطلق باشد. انسان فطرتاً به دنبال خداست؛ پس نباید به دنبال کمتر از خدا باشد.

مربی باید به گونه‌ای تربیت کند که حرکت متربی از جهت تکامل منحرف نشود، و به سوی کمال مطلق برود.

مربی باید به گونه‌ای تربیت کند که متربی بنده خدا باشد. ■

